

کتاب اقتصاد برای همه

علی سرزعی

فصل دهم: سیاست‌های معطوف به تحقق عدالت اجتماعی

خلاصه شده توسط امین آرامش



از صفحه ۲۵۹ تا ۲۸۵

این خلاصه، نکاتی است که به نظر من از سایر مطالب کتاب مهمتر بودند و به هیچ وجه شما را از خواندن کل کتاب بی‌نیاز نخواهد کرد و صرفاً می‌تواند به عنوان یادآور بعد از خواندن کتاب مورد استفاده قرار گیرد.

برخی تداعی‌های ذهنی را در پانویس نوشته‌ام.

مقدمه

پیشرفت چندانی در فهم عدالت در ایران ایجاد نشده. ایهام زیادی وجود دارد از جمله اینکه تحدید آزادی‌های قانونی از طریق عادت توجیه میشود. اکثراً عدالت را بصورت سلبی تعریف میکنند و میگویند یعنی کسی از پرخوری و دیگری از گرسنگی مریض نشود.

نابرابری علاوه بر فشار روحی بر اقشار فرودست طبقات سیاسی و اقتصادی هم دارد. توزیع نامناسب درآمد پتانسیل پوپولیسم و عوام‌گرایی را افزایش میدهد، مثال کشورهای آمریکای لاتین. پوپولیست‌ها میخواهند به قیمت کاهش رشد اقتصادی، توزیع درآمد را بهبود بخشند.

علی رغم سابقه زیاد مفهوم عدالت در فرهنگ ما، آنچه امروز هست از مکاتب چپ به فرهنگ امروز ایرانیان وارد شده.

فقرزدایی و بهبود توزیع درآمد اهدافی هستند که سیاست‌های اقتصادی جداگانه‌ای را طلب می‌کنند، حال اینکه اکثر مردم آنها را یکسان میدانند.

مشخصات اقشار فقیر در ایران

ده گروه و دهک. ۱۶ هزار خانوار با سوال در مورد مخارج (درآمدها معمولاً غیرواقعی اعلام میشود). نکات مطالعات بر روی این دهک‌ها:

- در دهک اول (فقیرترین) بیشتر دو نوع خانوار با سرپرست بسیار مسن و بسیار جوان حضور دارند.
- در دهک اول، درصد خانوار با سرپرست زن بیشتر از این درصد در سایر دهک‌هاست. (تبعیض جنسیت در بازار کار ایران)
- اکثر سرپرست خانوارهای دهک اول بی‌سواد هستند. (نقش مثبت آموزش یا شغل‌های دولتی مدرک‌گرا؟)
- زنان خانه‌دار، افراد بازنشسته و افراد تحت پوشش سازمان‌های حمایتی، عمده گروه‌های دهک اول هستند. (ضعف نظام تامین اجتماعی و سود کم بازنشسته‌ها در بانک‌های دولتی که به اجبار باید در آن بانک‌ها باشد)
- کارکنان دولتی در تمام دهک‌ها پراکنده‌اند اما مدیران دولتی در دهک‌ها ۸ تا ۱۰ هستند.
- حقوق‌بگیران بخش خصوصی بیشتر در دهک‌ها کم درآمد (۲ و ۳) هستند.
- تراکم مدیران دولتی، قانون‌گذاران و مقامات عالی‌رتبه در دهک‌های ۹ و ۱۰ بیشتر از سایر دهک‌هاست.
- کارکنان بخش کشاورزی و ساختمان در دهک‌های پایین متراکم‌اند.
- از سال ۵۰ همواره وضعیت خانوارهای روستایی بدتر از شهرها بوده و افزایش درآمد نفتی بیشتر به نفع شهرنشین‌ها شد تا روستایی‌ها (سیاست قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی به نفع شهرنشین‌ها بوده)
- ۱۴ درصد خانوارهای شهری و ۲۲ درصد خانوارهای روستایی زیر خط فقر اول و ۴ درصد خانوارهای شهری و ۹ درصد خانوارهای روستایی زیر خط فقر دوم قرار داشته‌اند. خط فقر اول ۵۰ درصد درآمد خانوار میانه و خط فقر دوم ۲۵ درصد خانوار میانه است.
- تهران بالاترین و زنجان پایین‌ترین سطح زندگی شهری را دارد و نسبت ۲/۲۶ است.
- سطح زندگی در روستاهای اردبیل دو برابر بهتر از روستاهای سیستان و بلوچستان است.
- سطح زندگی در تهران ۳ برابر بهتر از روستاهای سیستان و بلوچستان است.

فقرزدایی

گونه‌شناسی فقرا در ایران طبق تحقیق دکتر نیلی:

اول: کسانی که فاقد توانایی جسمی و ذهنی برای فعالیت درآمدزا هستند.

دوم: کسانی که علی‌رغم توانایی به دلایلی همچون رکود یا سیاست‌های غلط بیکار مانده‌اند.

سوم: کسانی که فعالیت اقتصادی می‌کنند اما درآمدشان کم است و زیر خط فقر هستند.

چهارم: کسانی که بر اثر بالایی طبیعی درآمد خود را از دست می‌دهند.

پنجم: کسانی که در جاهایی از کشور زندگی می‌کنند که فاقد زیربنای لازم برای توسعه فعالیت‌های تولیدی است.

برای هر دسته باید سیاست‌های مخصوص به همان دسته در نظر گرفته شود اما متأسفانه در سالهای گذشته بدون تفکیک فوق‌الذکر کارهایی همچون اعطای یارانه به صورت فراگیر، ایجاد نهادهای متعدد و فراگیر برای رسیدگی به فقرا، کنترل قیمت‌ها و محور قرار دادن محرومین در سیاست‌های اقتصادی صورت گرفته است. یک تحقیق جدید نشان داده اقدامات نهادهای اجتماعی همچون کمیته امداد در مورد اقشار فقیر بسیار موثر بوده است.

بسیاری از اقتصاددانان، راه اساسی درمان فقر را رشد اقتصادی می‌دانند. بزرگ شدن کیک اقتصاد. به همین دلیل آنها راه‌حل اساسی را رشد اقتصادی می‌دانند و بیش از آنکه نگران توزیع درآمد باشند نگران رشد اقتصادی هستند. البته این دیدگاه کلی نیست و تجارب در دنیا مختلف است. اگر رشد ناشی از درآمدهای نفتی باشد عموماً با کاهش فقر همراه است، اما رشد ناشی از درآمدهای غیرنفتی ممکن است با کاهش دستمزدها و افزایش فقر همراه باشد.

اکثر تصمیم‌گیران بیشتر از اینکه نگران رشد اقتصادی باشند نگران فقر و عدالت بوده‌اند و همین امر یکی از علل اساسی برجا ماندن فقر است! در کشورهای توسعه یافته نظیر آمریکا و اروپای غربی هم اقشار فقیر وجود دارند، اما فقر آنها بیشتر از آنکه معطوف به حداقل غذای لازم باشد، معطوف به ناتوانی در دستیابی به امکانات متداول در آن جامعه است. مثال هند که روستانشینان بدون تلفن و تلویزیون خیلی هم راحت و بدون احساس کمبود با لباس ساده در جامعه حاضر میشوند.

برای افرادی که توانایی کار کردن ندارند، نظام تامین اجتماعی لازم است و سیاست اقتصاد کلان موثر نیست.

در زمان جنگ فقر افزایش و بعد از آن با اصلاح سیاست‌ها اقتصادی بهبود یافته است.

اعطای یارانه در ایران

در باب لزوم دخالت دولت برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر شکی نیست، اما طریقه اعطای یارانه هم بسیار مهم است. پایین نگه داشتن قیمت‌ها دادن یارانه به صورت مساوی به همه است و حتی بیشترین قسمتش را اقشار مرفه استفاده می‌کنند و نتایجی همچون مصرف یک سوم بنزین مصرفی توسط ده درصد مرفه جامعه و اعطای نصف یارانه انرژی به سه دهک ثروتمند داشته است.

وقتی به یک کالا یارانه پرداخت می‌شود، طبیعتاً مصرفش هم بیشتر میشود.

پدیده قاچاق اقلام یارانه‌ای و عدم کارکرد ممانعت انتظامی.

اعطای کپن بهتر از دادن یارانه فراگیر است، چون اینگونه حداقل همه بصورت مساوی بهره‌مند میشوند و اقشار مرفه بیشتر منتفع نمیشوند.

روش دادن یارانه نقدی بهتر از روشهای دادن یارانه فراگیر (سوبسید روی قیمت‌ها) و کپن دادن است. چون لازم نیست تا افراد برای رفع

نیازهای خود، مبادله‌ای انجام دهند و به این ترتیب هزینه مبادله به افراد تحمیل نمی‌شود.

همیشه این ذهنیت وجود داشته که روش موجود در دادن یارانه فراگیر عادلانه است و به همین خاطر سعی در تغییر آن نبوده.

تاثیر نفوذ احمدی‌نژاد بر اقشار ضعیف در اعتماد به او برای هدفمندی یارانه. در زمان هاشمی دولت مصر بود و مجلس زیر بار نرفت. در زمان

خاتمی دولت و مجلس میخواستند اما بقیه ارکان حکومتی همراهی نکردند. احمدی‌نژاد هم اوایل دنبال تثبیت بود ولی با پایین آمدن

درآمدهای نفتی چاره‌ای نبود. تاثیر تهدید به تحریم بنزین ایران بر انجام طرح یارانه. جسارت احمدی‌نژاد.

در عمل هدف‌مندی در کار نبود، بلکه کپی کردن بنزین (با کارت سوخت) و سپس یارانه نقدی بود. یارانه پول نفت نبود که همه شهروندان نسبت به آن محق باشند، بلکه کمک دولت به اقشار آسیب پذیر بود.

ایده پایین‌تر بودن تعرفه‌ها در مناطق محروم شهرها. هیچ‌وقت نمیتوان از درست بودن صددرصدی روش مطمئن بود. اشتباه مهلک در اجرای پرداخت یارانه از دو زاویه قابل بررسی است: اولاً ثابت نگه داشتن اقلامی همچون بنزین منجر به کاهش قیمت واقعی آن به مرور زمان شد. دوماً عدد ۴۵ هزار تومن برای هر فرد چنان عدد بزرگی را ایجاد کرد که دولت در سال ۹۲ در پرداخت آن با مشکل روبرو شد. اگر مبلغ پایین‌تر تعیین میشد و در عین حال هر سال قیمت بنزین و اقلام یارانه‌ای افزایش می‌یافت، درآمدهای حاصل از این طرح میتوانست کفاف هزینه‌هایش را بدهد.

از سوی دیگر همزمانی این طرح با طرح مسکن مهر و فشار تورمی ناشی از آن و تشدید تحریم‌ها موجب شد تورم به ۴۰ درصد برسد و تورم مذکور تنها به دلیل طرح یارانه نبود.

توزیع درآمد

تفاوت در توزیع درآمد باعث حسرت آدمیان و موجب نارضایتی و حتی بزهکاری میشود. بازی اولتیماتوم و اینکه طرف ترجیح میداد خودش هم هیچ بهره‌ای نبرد وقتی احساس میکرد توزیع ناعادلانه است. توزیع درآمد در کشورهای اسکاندیناوی بهتر از آمریکاست.

ضریب جینی

این فاکتور به تنهایی برای قضاوت در مورد نابرابری کافی نیست. مبنای آن در اختیار بودن $X\%$ از درآمد نزد $X\%$ از جامعه است. این ضریب از تقسیم مساحت زیر فضای منحنی واقعی بر مساحت حالت ایده آل (خط مستقیم با زاویه ۴۵ درجه) بدست می‌آید و بصورت درصد بیان میشود. هرچه این درصد به صفر نزدیکتر باشد، برابری بیشتر است. معمولاً هرچه کشورها فقیرتر باشند این ضریب در آنها بیشتر است.

توزیع درآمد در ایران

به نظر می‌رسد علی‌رغم موفقیت در کنترل فقر، طی سه دهه گذشته توفیق چندانی در توزیع درآمد ایجاد نشده است. امکان بهره بیشتر اغنیا از افزایش درآمد نفتی با نزدیکی به مراکز قدرت. بهبود توزیع درآمد یکی از اهداف است و نه تنها هدف. نمود کارا بودن تخصیص منابع در سطح کلان، رشد اقتصادی است که خود یکی از اهداف اقتصادی و در عین حال مهم‌ترین آنها به شمار میرود.

مفهوم بهینگی پارتو

کارا بودن تخصیص منابع در اقتصاد با معیار بهینگی پارتو سنجیده میشود. معیار آن این است که اگر بتوان تخصیص منابع را به شیوه‌ای تغییر داد که وضعیت عده‌ای بهتر شود، بدون اینکه وضعیت دیگران بدتر شود، در این صورت این اقدام باید انجام شود. مثل کاری که منجر به بهتر شدن وضع ثروتمندان شود ولی در وضع اقشار ضعیف تاثیر منفی نگذارد. عده‌ای دغدغه ضدثروتمند شدن دارند تا دغدغه عدالت. در این مورد:

- اقتصادی‌تر است که مثلاً یک پزشک وقت خود را در صف نانوایی صرف نکند.
- ممکن است کسی که هزینه فرصت بالاتری دارد پول به نانوا بدهد تا در صف نایستد و مبادلات غیررسمی افزایش یابد.
- ممکن است کسی که هزینه فرصت بالاتری دارد از خیر نان داغ و شیر بگذرد و مطلوبیتش کاهش یابد.
- ممکن است کسی که هزینه فرصت بالاتری دارد پول به کس دیگری بدهد که بجای او در صف بایستد. به دلیل اصرار غیرموجه هزینه مبادله را بالا برده‌ایم.

این رویه که حالا که نمی‌توان وضع همه را خوب کرد بهتر وضع عده‌ای هم بد بماند و بهتر نشود یک رویه احساسی است تا منطقی. مقاومت در برابر مدارس خصوصی.

منابع محدود است و نمی‌توان به بهانه عدالت آن را در اختیار همه گذاشت. ضمناً میل انسانها به تملک هرچه توانشان باشد (ولو به آن احتیاج نداشته باشند) سیری ناپذیر است.

داستان فرودگاه‌ها مناطق محروم و بعد یارانه به بلیط هواپیما!

دو قضیه رفاه؛ اولی می‌گوید در نظام اقتصاد بازار، مبادله باید به نحوی سامان گیرد که تخصیص کارا در اقتصاد ایجاد شود و مازاد عرضه و تقاضا ایجاد نشود و اقتصاد به حالت تعادل برسد. قضیه دوم می‌گوید بجای دست بردن در مکانیسم مبادله می‌توان با از طریق بازتوزیع به گرفتن مالیات دارایی افراد را تغییر داد. مثال بهتر شدن وضع مدارس دولتی با گرفتن مالیات و عدم احساس محرومیت کل اقشار جامعه.

معمولاً مالیات بر در درآمد و ثروت اعمال میشود، اما اعمال مالیات بر مصرف، رایج‌ترین و قابل‌قبول‌ترین شیوه مالیات‌گیری است. مستقل از درآمد هر که مصرف کرد، مالیات بیشتری هم میدهد. کشورهای اسکاندیناوی تکامل یافته‌ترین نظام اخذ مالیات، طراحی و اجرا شده است.

توسعه و نابرابری

تجارب مختلف است. کشورهای جنوب شرق آسیا توسعه با کاهش نابرابری داشته‌اند و چین توسعه با افزایش نابرابری. دلیل اصلی برای کشورهای جنوب شرق آسیا این بود که انباشت سرمایه نه از طریق پس‌انداز، بلکه از طریق سرمایه‌گذاری خارجی فراهم گردید.

گسترش پوشش تامین اجتماعی و ایجاد بیمه بیکاری، دو سیاست برای تخفیف آثار منفی خصوصی‌سازی و آزادسازی قیمت‌ها.

دیدگاه‌های نظری جدید در زمینه عدالت

در اواسط قرن نیست تصور میشد دیگر بحث جدیدی در مورد عدالت نیست، اما تئوری جان رالز موج جدیدی از تحقیقات را آغاز کرد. رالز می‌گوید نابرابری محرک نوآوری و رشد است. جلوگیری از نابرابری به همه بشریت آسیب وارد میکند. بنابراین آن را با یک قید مجاز میدانیم، اینکه نابرابری در صورتی مقبول است که فقیرترین دهک جامعه از این نابرابری منتفع شود.

از دیدگاه رالز، فقط بزرگ شدن کیک اقتصاد مطرح نیست بلکه نفع بردن ضعیف‌ترین قشر هم مطرح است. از دید رالز، بهبود عینی وضعیت قشر فقیر بهتر و مهم‌تر از وخیم شدن فاصله طبقاتی است که اثرات روحی و احساسی منفی به دنبال دارد.

بهرحال هوش، شرایط جسمی و سایر مسائل برای انسان‌ها متفاوت است.